**کتاب ماه تاریخ و جغرافیا , دي 1381 - شماره 63**

جلوه تاریخ تشیع و زبان و فرهنگ فارسی در کتاب‌ حدیقة السلاطین

حدیقة السلاطین قطبشاهی

تألیف:میرزا نظام الدین احمد شیرازی

به اهتمام:سید علی اصغر بلگرامی

ناشر:انجمن انتشارات اسلامی،حیدرآباد، 1961 م.

اگرچه زبان فارسی با مجاهدات سلاطین‌ غوری تا قرون هفتم و هشتم هجری راه خود را به‌ سوی شبه‌قارّه هند گشوده بود و همه طوطیان هند را از این قند پارسی که به بنگاله می‌رفت شکرشکن‌ می‌کرد اما تشکیل سلسلهء گورکانیان هند در آغاز قرن 16 میلادی در شمال این کشور و قدرت یافتن‌ امرای محلی مسلمان در نواحی مرکزی و جنوبی‌ هند نقش بزرگی در تقویت و ترویج این زبان که در واقع زبان اسلام در شبه‌قارّه هند بود،ایفا نمود.در همان زمان که پادشاهان صفوی به زبان ترکی‌ صحبت می‌کردند سلاطین و امرای مسلمان هند به‌ زبان فارسی به عنوان زبان رسمی دربار خود تکلم و فرامین و اسناد خود را با این زبان صادر می‌کردند و درعین‌حال از خیل ادبا و شعرا و عرفای ایرانی و فارسی‌زبان که دنبال اعلام مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران راهی هند شده بودند استقبال شایانی به عمل آوردند.

یکی از سلسله‌های محلی جنوب هند سلسله‌ «قطب‌شاهیان»بود که هم ایرانی،هم فارسی‌زبان‌ و هم از پیروان شیعه امامیه بودند و از سال 1518 م. بر سرزمین دکن و کرناتک که امروزه آندراپرادش و کارناتاکا نامیده می‌شوند حکومت می‌کردند و به علت‌ ملیت و مذهب خود از جمله ارادتمندان به دربار صفوی ایران به‌شمار می‌رفتند.

مؤسس این سلسله سلطانقلی همدانی بود که‌ اصلا از مردم همدان ایران و از ترک‌های بهارلو و از اعقاب قرایوسف و اسکندر(پادشاهان قراقویونلو)به‌ شمار می‌رفت که به همراه عمویش الله قلی به هند مهاجرت کرده بود.وی در دربار محمد شاه سوم از پادشاهان سلسله بهمنی در نواحی مرکزی هند به‌ خدمت مشغول شد و در سال 1463 م.موفق به‌ خوابانیدن شورش منطقه«تلنگانه»دکن گردید و به‌ همین جهت چندی بعد با لقب«قطب الملکی»به‌ سمت صوبه‌دار این ایالت زرخیز و کهن شبه‌قارّه هند منصوب گردید و پس از انقراض سلسله بهمنی،در سال 1518 م.(همزمان با پادشاهی شاه اسماعیل‌ اول صفوی)استقلال خود را در گلکنده(در نزدیکی‌ حیدرآباد کنونی)اعلام و سلسله قطب‌شاهیان را تأسیس نمود.از این سلسله 8 سلطان حکومت‌ کردند و سلطنت آنها تا سال 1687 م.در«گولکنده» دوام آورد و عاقبت به دست اورنگ‌زیب،پادشاه‌ گورکانی و حنفی مذهب هند منقرض شد.

سلطانقلی قطب شاه«بعد از آن‌که خبر جلوس‌ شاه اسمعیل صفوی بر تخت ممالک ایران منتشر گردید و بنابرآنکه او را مرشدزاده خود می‌دانست در امیر سعید الهی

خطبه،نام آن حضرت را مقدم بر اسم خود گردانیده‌ و نام صاحب ثلث(خلفای سه‌گانه)را به تدریج و مرور از خطبه ساقط ساخت».1

معروف‌ترین فرمانروای این سلسله محمد قلی‌ قطب شاه پنجم است که از سال 1580 تا 1612 م. به مدت 32 سال حکومت کرد.زمان وی دوره اوج‌ و بالندگی سلسله قطب‌شاهیان به‌شمار می‌رود.از مهم‌ترین اقدامات وی بنای شهر فعلی حیدرآباد در آغاز هزاره دوم هجره در نزدیکی قلعه«گلکنده»بود که اکنون پنجمین شهر بزرگ و مهم هند و پایتخت‌ دوم این کشور به‌شمار می‌رود.از شخصیت‌های‌ مهم دربار وی میرمحمد مؤمن استرآبادی،«مربی و معلم شاهزاده سلطان حیدر میرزا(فرزند شاه‌ طهماسب صفوی)بود.بعد از شاهزاده در ایران نماند به هندوستان رفت و در نزد محمد قلی قطب شاه‌ حاکم دکن مرتبه وکالت و وزارت اعظم یافت.»2

در مورد تاریخ سلاطین قطب‌شاهی منابع‌ متعددی به زبان فارسی در دست است که همگی در هند نگاشته شده و تاکنون در ایران به چاپ‌ نرسیده‌اند:

1 تاریخ هیر العل متخلص به خوشدل که‌ منشی حیدرقلی،پسر سلطانقلی قطب الملک اول‌ بود.این اثر به صورت منظوم نگاشته شده و مشتمل‌ بر چهار فصل یا مقاله است و تا زمان جلوس‌ محمد قلی قطب شاه را در بر می‌گیرد.نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه انجمن آسیایی بنگال موجود است.

2 تاریخ فرشته تألیف محمد قاسم هندوشاه‌ استرآبادی(متخلص به فرشته)که در مقاله سوم‌ روضه چهارم شمه‌ای از احوال سلاطین قطب

ص:27

طرحی از میرزا نظام الدین احمد شیرازی،مولف حدیقه السلاطین

شاهی دکن را ذکر کرده است.

3 تاریخ سلطان محمد قطب شاه که مؤلف آن‌ مشخص نیست و ظاهرا تلخیص یکی از تواریخ‌ مشروح آن عصر است.کتاب مشتمل بر یک مقدمه‌ و چهار مقاله می‌باشد و تاریخ این سلسله را تا جلوس‌ سلطان محمد قطب شاه آورده است.

4 ماثر قطب‌شاهی تألیف محمد بن عبد الله‌ نیشابوری که وقایع را تا زمان وفات سلطان‌ محمد قطب شاه در بر دارد و علاوه بر آن به ذکر سلاطین صفوی ایران تا اواخر سلطنت شاه عباس‌ دوم صفوی نیز پرداخته است.

کتابی که در این مقاله معرفی می‌گردد یعنی‌ حدیقة السلاطین قطب‌شاهی یکی از منابع مهم در مورد تاریخ قطب‌شاهیان دکن است که نوزده سال‌ اول دوره سلطنت سلطان عبد الله قطب شاه، هفتمین سلطان این سلسله را که در سال 1626 م. 1035 هـ.ق.به سلطنت رسید و مدت 46 سال یعنی‌ تا سال 1672 م./1083 هـ.ق.در ناحیه دکن و تلنگانه حکومت نمود شرح می‌دهد.

در زمان سلطنت وی،قلعه«گولکنده»که مرکز حکومت وی بود،دوبار در سالهای 1636 م.و 1656 م.تخت فشار شدید قشون امپراتوری گورکانی هند یعنی پادشاهان مسلمان و متعصب حنفی مذهب‌ دهلی قرار گرفت و خسارات زیادی به آن وارد آمد. از این زمان است که قدرت سلسله قطب‌شاهیان به‌ علت درگیری‌های مداوم با دربار دهلی روبه افول‌ می‌گذارد و هرچند عبد الله قطب شاه تحت فشار شاه جهان،پادشاه گورکانی هند مجبور به حذف نام‌ ائمه اطهار و نیز شاه ایران از خطبه‌های نماز جمعه‌ حیدرآباد می‌شود.اما درعین‌حال روابط وی با دربار ایران بسیار صمیمانه بوده و مبادله سفرا بین دو کشور رواج داشته است.در نامه‌ای که وی به‌ شاه عباس دوم صفوی نگاشته از او در برابر اورنگ‌ زیب(فرزند شاه جهان)طلب یاری نموده و بذل‌ هرگونه عنایتی از سوی ایران را«احیای سنت اجدادی‌ و تداوم آثار حضرت ائمه هدی»خوانده است.3

مؤلف کتاب میرزا نظام الدین احمد صاعدی‌ شیرازی،«یکی از ادبای ایران‌زمین است که از وطن‌ خود به طرف دکن هجرت نموده از کثرت لیاقت و استعداد مقرب بارگاه خلایق‌پناه قطب‌شاهی گردید و شاهد بر فضیلت او از این مقدار بس است که عضو حوزه علمیه نواب محمد بن خاتون العاملی(قدس‌ سره الشریف)هم بوده که پیشوایی کل مملکت‌ دکن در عهد سلطان عبد الله قطب شاه به دست‌ تصرف و اقتدار آن عالم نامدار بوده.»4

ظاهرا از این کتاب پنج نسخه خطی موجود بوده که مصحح،نسخه موجود در«اداره آثار قدیم‌ حیدرآباد دکن»را تصحیح نموده و قسمت اول آن را در سال 1350 هـ.ق.و باردوم متن کامل آن را در سال 1361 هـ.ق.به همت آقای حسین ضابط،از ایرانیان مقیم حیدرآباد هند به چاپ رسانیده است.

کتاب حدیقة السلاطین علاوه بر اینکه‌ چگونگی سلطنت یک سلسله شیعی و فارسی‌زبان‌ هند را تشریح می‌کند،حامل حضور قوی و تعیین‌کننده عناصر ایرانی در تاریخ شبه‌قارّه هند است و علاوه بر آن،نشان‌دهنده حضور فرهنگ‌ ایرانی و شیعی در فاصله‌ای بسیار از سرزمین اصلی‌ ایران می‌باشد.ضمن این‌که بنابه قول بلگرامی‌ «حاوی محاسن صوری و معنوی و ممیزات مادی و جوهری می‌باشد و وقایع او شیرین و بیان او شیرین‌تر و در مقام بیان سوانح و گزارشات چنان‌ فصاحت و بلاغت نظم و نثر را به خرج داده که مرغ‌ روح هرادیبی و صاحب‌ذوقی عند المطالعه چنان‌ مست باده بیان و می معنی او می‌گردد که در قفس‌ بدن بلاختیار چون رامشگران سیمین‌اندام به رقص‌ درمی‌آید.»5

در پیوند میان قطب‌شاهیان و صفویان‌ می‌خوانیم:

«از قدیم الایام میان خاندان شریفه جلیله‌ اسمعیلیه صفویه موسویه و دودمان رفیعهء قطب‌ شاهیه قرایوسفیه...نسبت موالفت و رابطه‌ مصادقت بوده...و از آن تاریخ الی یومنا هذا،بین‌ اولاد امجاد و احفاد این دو سلطنت نژاد قواعد یگانگی و اتحاد مرعی بوده...در تشیع و ولای ذریه‌ حضرت سید المرسلین و رواج و رونق مذهب بر حق‌ ائمه اجله معصومین صلوات الله...همیشه یگانگی‌ و اتحاد داشته‌اند.»6

پیروی قطب‌شاهیان از مذهب تشیع به عنوان‌ مذهب رسمی سبب شد که آداب و رسوم شیعه‌ اثنی‌عشری از جمله اعیاد و نیز عزاداری حضرت‌ سید الشهداء در دکن رواج یابد.به‌خصوص عبد الله‌ قطب شاه در این مورد سعی و اهتمامی تمام داشت‌ و خود در اکثر مراسم یعنی اعیاد و یا عزاداری‌های‌ مذهبی شرکت می‌کرد.

میرزا نظام الدین برگزاری مراسم عزاداری‌ عاشورا در دکن را با نثر شیرین خود چنین شرح‌ می‌دهد:

«صبح دهم محرم پادشاه یوسف‌طلعت، کسوت سیاه پوشیده و پای برهنه را بر خاک راه‌ سوده جمیع اعیان و امرا و مقربان و وزراء...همه

ص:28

لباس سیاه پوشیده...و قصه‌ شهادت شهدای کربلا و گرفتاری‌ سراپرده‌نشینان حرم محترم آن زبده‌ آل عبا و محروم ماندن ز یار و مددکار در آن صحرای پرکرب و بلا استماع‌ نمایند...و از تصور و شنیدن آن‌ مصایب،دلها همه خوناب و چشمها مثابه سیلاب می‌گردد.»7

برگزاری مراسم میلاد حضرت‌ رسول اکرم(ص)در زمان عبد الله‌ قطب شاه مورد تأکید بسیار بوده‌ است.این مراسم در فضای‌ دلگشای میدانی که در جنوب قصر کوه‌پیکر«دادمحل»قرار داشت‌ برگزار می‌شد و«در شب آخر این‌ سور پرسرور،سفره عالی در میدان دادمحل‌ می‌کشند و خواص و عوام طبقات اسلام در آن مقام‌ جمعیت زیادی نموده تناول می‌نمایند و تمام اطراف‌ میدان را در آن شب چراغان می‌کنند و آتش‌بازی‌ بسیار در اندرون دولت‌خانه و بیرون می‌سوزانند و آن‌ شب تا صباح داد عیش و عشرت می‌دهند و هنگامهء رقص و ساز را تا طلوع آفتاب جهانتاب گرم‌ می‌دارند...و مدت دوازده روز و شب این سور پر سرور امتداد می‌یابد و محاسبان دفتر شاهی اخراجات‌ این جشن و میزبانی را سی هزار هون به قید قلم در می‌آورند.»8

جشن نیمه‌شبان که مسلمانان شبه‌قارّه آن را «شب برات»می‌نامند نیز با جلال و شکوه خاصی‌ برگزار می‌شده است:

از آداب حمیده و رسوم پسندیدهء شهریار مشتری آثار...سلطان عبد الله قطبشاه...جشن‌ لیله البرات است که ولادت با سعادت امام منتظر قائم...در این شب اتفاق افتاده و آن حضرت از غایت خلوص اعتقاد و ولا و نهایت تشیع و و لو بد و دمان خیر المرسلین و عترت امیر المؤمنین‌ صلوات الله علیهم اجمعین در تعظیم و تکریم این‌ شب مبالغه بسیار دارند و آن را ثانی شب قدر و تالی‌ روز عید گردانیده است...»9

شرح زیر که میرزا نظام الدین شیرازی،مؤلف‌ حدیقه السلاطین نقل می‌کند به خوبی گویای درجه‌ خلوص و ارادت سلاطین قطبشاهی به مذهب تشیع‌ و ائمه اطهار و نیز شاهد نزدیکی و پیوند آنان با ایران‌ و فرهنگ فارسی است تا بدان حد که حیدرآباد را با اصفهان مقایسه می‌کند و از قول عبد الله قطبشاه‌ می‌نویسد:

«فضلای روزگار و علمای عالیمقدار هردیار و نجبای اولاد سید مختار و نقباء ذریه حیدر کرار و محبان و شیعیان ائمه اطهار در پایه سریر سلطنت‌ شعار و درگاه گیتی‌مدار،چنان مجتمع شده‌اند که به‌ جمعیت و وفور،خلق حیدرآباد به مثابه دار السلطنه صفاهان گردیده»10

حضور و نفوذ بزرگان و علمای ایرانی‌ فارسی‌زبان در این منطقه به حدی بود که سلاطین‌ دکن و به‌خصوص قطب‌شاهیان،وزراء و مقامات‌ بزرگ خود را از میان ایرانیان مهاجر که بهرهء علمی‌ و فرهنگی داشتند انتخاب می‌نمودند.مقام‌ «میرجملگی»و«پیشوایی»یا وزارت اعظم و نیز دبیری و منصب«سرخیلی»که نیابت وزیر اعظم‌ شمرده می‌شد اغلب در اختیار ایرانیان مقیم گلکنده‌ و حیدرآباد قرار داشت.از جمله این رجال ایرانی‌ می‌توان از شاه میرزای اصفهانی طباطبایی،وزیر ابراهیم قلی قطب شاه و نیز میرمحمد مومن‌ استرآبادی،وزیر معروف محمد قلی قطب شاه و همچنین میرزا محمد سعید میرجمله،وزیر مقتدر عبد الله قطب شاه نام برد.

همچنین بسیاری از ایرانیان مهاجر از جمله‌ میرزا روزبهان صفاهانی،میرفصیح الدین‌ محمد تفرشی،سید عبد الله مازندرانی،و میرمحمد سعید اردستانی در زمان عبد الله قطب شاه به‌ «منصب جلیل القدر سرخیلی»نایل آمده‌اند.

شیرازی در مورد ایرانیان مقیم دربار قطب‌ شاهیان می‌نویسد:

در هیچ عصری از اعصار ماضیه در دار السلطنهء این سلسلهء علیه این‌قدر مردم از ارباب استعداد و اصحاب علم و فضل و مردم قلمزن و سپاهی و غیره‌ از اهل ایران مجتمع نگردیده بودند...چه جمیع‌ امرای عالی‌شان و وزرای رفیع مکان با اکثر لشگر ظفر اثر و اکثر عمال و عهده‌داران قلمزن معتبر و اهل مناسب و سایر مجلسیان و اکثر سلاحداران از مردم ایران‌اند و جمعی کثیر از تجار مال‌دار که چه در دار السلطنه و چه در بنادر معموره و ولایت محروسه‌ اقامت نموده غایت تجمل و ثروت موفور بهم‌ رسانیده‌اند،از اهل ایران‌اند.»11

نظام الدین در حدایق السلاطین به طور مکرر از سفیرانی که میان دربار قطب‌شاهیان و دربار صفوی ردوبدل می‌شده‌اند از جمله از محمد قلی‌بیک،خیرات خان و نظام الدین احمد جیلانی، (حکیم الملک)که از طرف عبد الله‌ قطب شاه به حضور شاه صفی‌ رسیده‌اند و نیز از امام قلی‌بیک که‌ از سوی پادشاه صفوی عازم دربار دکن شد نام می‌برد.شرح مراسم‌ «رخصت دادن حاجب ایران»(امام‌ قلی‌بیک)خواندنی است:

اعلیحضرت خاقانی...بعد از تفرج چراغان و سیر باغ متوجه‌ رخصت دادن حاجب پادشاه ایران‌ شدند و مبلغ سی هزار هون نقد و جنس انعام به او مرحمت نمودند و در مدت شش هفت سال(که)در شهر فیض بحر بود سالی 12 هزار تومان هون مشاهره مرحمت‌ می‌نمودند و قریه‌ای که هرسال 2 هزار هون حاصل‌ آن بود عنایت فرموده بودند و این مبلغ سال‌به‌سال‌ ورای مشاهره به او واصل می‌شد...خارج افیال‌ (فیل‌ها)و اسپان و تشاریف که به او مرحمت‌ گردیده...بالجمله عمده الحجاب،کامران و کامیاب‌ مرخص شد...»12

بدین‌ترتیب کتاب حدیقه السلاطین را باید یکی از منابع مهم تاریخ این سلسله و از مآخذ مهم‌ روابط تاریخی ایران با سلسله‌های مسلمان مرکز و جنوب هند به‌شمار آورد که علاوه برآنکه یک ماخذ تاریخی است،یک شاهکار ادبی نیز به‌شمار می‌رود، به‌ویژه آنکه از لغات و اصطلاحات زبان اردو نیز تأثیر زیادی نگرفته است.با توجه به قلت اینگونه منابع در کتابخانه‌های ایران جا دارد که نسبت به ویرایش و ارائه چاپهای منقح از مأخذ مذکور اقدامات بایسته‌ای‌ از سوی دست‌اندرکاران میراث فرهنگی کشور صورت گیرد.

پی‌نوشت‌ها:

(1)-هندوشاه،ملامحمد قاسم:تاریخ فرشته(هند)، 1281 ق.ج 2.ص 168

(2)-هدایت،رضا قلی:تاریخ روضة الصفای ناصری‌ (ج 8)تهران خیام،1339 ص 574

(3)-کرمی،مجتبی:نگاهی به تاریخ حیدرآباد دکن. تهران:دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی 1373،ص 66

(4)-حدائق السلاطین ص 7

(5)-همان،ص 10

(6)-همان،ص 81-80

(7)-همان،ص 49(با تلخیص)

(8)-همان،ص 67

(9)-همان،ص 273

(10)-همان،ص 129

(11)-همان،ص 205-204

(12)-همان،ص 269

ص:29